پای درس علی(ع)

لزوم پرهیز از ظلم به مردم و غصب اموالشان

امام علی(ع): «سوگند به خدا! اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان (خاری سه‌شعبه و بسیار گزنده که خوراک شتران بوده است) به سر ببرم، و یا با غل و زنجیر به این‌سو یا آن‌سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. چگونه بر کسی ستم کنم برای نفس خویش که به سوی کهنگی و پوسیده شدن پیش می‌رود، و در خاک زمانی طولانی اقامت می‌کند؟»

نهج‌البلاغه- خطبه۲۲۴

مقاله وارده

دست پُر دیپلماسی با میدان قوی

علی بهادری جهرمی*

عضو مستعفی شورای اطلاع‌رسانی دولت در بحبوحه مذاکرات مصاحبه کرده و گفته اگر غنی‌سازی هسته‌ای کشور را فریز نکنیم و مواد غنی‌شده را تحویل ندهیم مذاکرات فایده‌ای ندارد! بله درست است. اگر این اتفاقات نیفتد مذاکرات برای آمریکا فایده‌ای ندارد. اما دقیقاً اگر چه اتفاقی نیفتد مذاکرات برای ایران فایده ندارد؟ آیا مذاکره با حفظ تحریم و فشار اقتصادی و تهدید نظامی فایده‌ای برای ایران دارد؟ اگر یک مقام آمریکایی می‌خواست بگوید در چه صورت مذاکره فایده دارد و در چه صورت ندارد جز این جملات چیزی می‌گفت؟ صرف‌نظر از فایده داشتن یا نداشتن مذاکره با چنین دولتی در آمریکا که وضعیتی روشن‌تر از روز دارد، درد مزمن شده کشور ناشی از همین کج‌فهمی‌ها در حکمرانی است که حداقل انتظار آن است که اگر دنبال مسیری کم‌سود و پرضرر هم می‌روید حداقل به اقتضائات وصول به نتیجه در آن مسیر پایبند باشید:

۱-آمریکا همزمان با کلیه مذاکرات خود همیشه تأکید می‌کند: «همه گزینه‌ها (یعنی از جمله گزینه نظامی) روی میز است» این یعنی ابزار تهدید و قدرت نظامی خود را مقوّم و مکمل دیپلماسی خود می‌داند. در این سو بخشی از نگاه‌های سیاسی داخلی به جای پاسخ متقابل و متناسب با همان ادبیات یا درخواست از نیروهای مسلح برای نمایش قدرت نظامی کشور به بهانه‌های مختلفی چون رزمایش و رونمایی‌های جدید، حتی وقتی سیستم نظامی کار خود را به درستی انجام می‌داد از او گلایه می‌کردند که میدان کار دیپلماسی را خراب می‌کند! از این گذشته، آمریکا به‌خوبی از ظرفیت میدان برای پیشبرد اهداف دیپلماسی تحمیل‌گرایانه خود استفاده می‌کند. مثلا گسیل ناوهای نظامی به منطقه، همزمان با مذاکرات ایران، یا حضور فرمانده سنتکام در مذاکرات هسته‌ای، از مصادیق میدان‌داری آمریکا در دیپلماسی است. آمریکا البته همچنان و در میانه مذاکرات، از اهرم فشار و تحریم علیه ایران بهره‌برداری می‌کند، مانند تحریم چندین فرد و نهاد، درست در روز مذاکرات. در داخل کشورمان اما میدان، از سوی برخی دشمن دیپلماسی به‌حساب می‌آید. استفاده از ظرفیت‌های میدان برای پیشبرد دیپلماسی، اکنون مورد اتفاق اکثر قریب به‌اتفاق نظریه‌پردازان سیاسی است. اساسا مگر می‌شود بدون محاسبات و بدون بهره‌برداری از ظرفیت‌های میدان، در دیپلماسی موفق بود؟! دست پر مذاکرات در میدان قوی است، و درست برعکس، میدان ضعیف، دیپلماسی را هم فشل و تحمیل‌پذیر می‌کند.

۲-پیش از آغاز هر مذاکره‌ای، آمریکا و غرب به جای مشخص کردن خطوط قرمز، نقاط هدف خود را کاملاً مشخص بیان کرده و گویی «هدف» را «خط قرمز» خود تلقی می‌کنند. از بین‌بردن فناوری هسته‌ای، مهار توان موشکی و هر هدف دیگری را صراحتاً موضوع مذاکره بیان کرده و مذاکره بدون وصول به آن‌ها را منتفی یا نامناسب اعلام می‌کنند. در این سو اما به جای مشخص کردن اهداف از مذاکره و تأکید بر جنبه‌هایی همچون لغو تحریم‌ها، کنترل توان نظامی رژیم صهیونیستی که دیگر نه تهدیدی بالقوه بلکه کاملاً بالفعل علیه کشور ماست، مداخله در امور داخلی کشور و آشوب‌آفرینی علنی گویی زمین مذاکره و مسیر و هدف و مبنا و همه‌چیز را باید طرف دیگر مشخص کرده و صاحبان تریبون این جناح سیاسی کج‌فهم نیز تنها در آن زمین بازی می‌کنند. روزی به جای تمرکز بر هدف بر خطوط قرمز دفاعی و کف خواسته‌ها تمرکز و روز دیگر حتی اهداف دشمن را مبنای وصول به نتیجه می‌دانند! گویی هدف ایران از مذاکره نیز چیزی جز وصول آمریکا به اهداف خود نیست و مردم ایران هیچ اهمیتی در این میان ندارند!

۳-مجموعه و گروه عاقل، با تقسیم کار درست میان اجزای خود، وصول به اهداف خود را تسریع و عملی می‌کند. نظام سیاسی رسمی و غیررسمی نیز همین کارویژه را در حکومت‌ها بازی می‌کنند. احزاب سیاسی و چهره‌های عمومی به عنوان صداهای افکار عمومی مسیری را برای دولت و حاکمیت مشخص و با ایجاد انتظار و فضاسازی و مدیریت مطالبات عمومی از دانشگاه و رسانه و... دولت را به آن سمت هدایت می‌کنند. در حوزه بین‌الملل نیز ساختار رسمی کشور با استناد به مطالبات عمومی و مردمی یا ساختارهای غیر رسمی یا حتی قوانین و مقررات داخلی سعی در کسب منافع حداکثری در مذاکرات دارد. به عنوان نمونه آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایجاد هراس عمومی از احتمال دروغین دستیابی ایران به بمب هسته‌ای نوعی مطالبه یا پذیرش برای کنترل آن ایجاد می‌کنند و به همین بهانه بقیه مسیر اعمال فشار بر ایران پیگیری می‌شود. اما در این سو به جای یکصدایی در دفاع از حقوق و منافع ملی در سطح بین‌الملل که تقویت‌کننده جایگاه و پایگاه تیم مذاکره کنندگان خارجی کشور بوده و می‌توانند با توجه به فضای حاکم بر کشور و مطالبات گسترده اجتماعی داخلی مبنی بر رفع تحریم‌ها، توقف تهدیدها و مهار قدرت مخرب نظامی رژیم صهیونیستی، خروج عوامل تنش‌زا از منطقه و سایر اهداف ملی، گویی بلندگوی طرف مقابل برای تقویت صدای خواسته او می‌شوند!

وضعیت مشکلات اقتصادی مردم و نارضایتی‌های به‌حق افکار عمومی از عملکرد دولت‌ها از تأمین نیازهای عمومی، کارنامه روشن عملکرد بازیگران رسمی و غیر رسمی سیاسی کشور است که مسیر حرکت ملی را در داخل و خارج کشور مدیریت و طراحی می‌کنند. فاصله زیاد کنش‌ها و اقدامات از مسیری که رهبر معظم انقلاب دهه‌هاست با ابلاغ سیاست‌های کلی، بیانات و دستورات، تذکرات، نام‌گذاری‌ها و روش‌های متعدد دیگر درصدد هدایت کشور به آن سمت بوده‌اند به روشنی می‌تواند دلیل فاصله زیاد وضعیت موجود از وضعیت مطلوب را به نمایش بگذارد.

وضعیت موجود نتیجه این کنش‌هاست و وضعیت مطلوب در سندچشم‌انداز و سایر سیاست‌ها پیش از این نمایان شده بود. در این میان یکی از عوامل اصلی حرکت در هر کشوری بازیگران غیررسمی حکمرانی هستند که با حضور در گوشه و کنارهای مراکز تصمیم‌گیری و با کنشگری‌های سیاسی متعدد و خصوصا با جنجال‌آفرینی‌های رسانه‌ای در صدد پیشبرد منافع خود یا آنچه منافع جامعه می‌خوانند هستند.

متأسفانه وضعیت عملکرد بخش زیادی از این کنشگران در مواضع مختلف به جای حمایت از منافع ملی به سمت تقویت منافع طرف مقابل بوده و هست. به‌سان تماشاچی مسابقه‌ای که به جای دفاع از تیم خود در سکوی تماشاگران (که از قضا در وضعیت موجود غالباً هم با هزینه و پول خود تیم به او فرصت حضور در کرسی‌های ورزشگاه داده شده است) مستمر در حال فریاد زدن منافع تیم مقابل و دفاع به نفع اوست! این تصویر، نمای جدیدی از ضرب‌المثلی قدیمی است که در سطح ملی در حال رقم خوردن است: وقتی عقل سیاسی در این جماعت نیست جان ایران عزیز و مردم عزیز آن در عذاب است. برای حل مشکلات و عذاب مردم، به عقل سیاسی (حداقل در حوزه سیاست خارجی) پایبند باشیم.

* حقوقدان و عضو هیئت علمی دانشگاه

گزارش خبری تحلیلی کیهان

چه افتخاری بالاتر از این که دشمنان ایران، جنایتکاران جزیره فحشاء هستند

سرویس سیاسی-

پرونده «جزیره فحشا» با افشای ابعاد تکان‌دهنده‌ای از فساد سازمان‌یافته، نشان داد مدعیان غربی حقوق‌بشر، خود گردانندگان کثیف‌ترین شبکه‌های باج‌گیری اطلاعاتی و جنسی هستند؛ حقیقتی که ثابت می‌کند دشمنیِ حاکمان غرق در منجلاب «اپستین» با ملت امام حسین(ع)، بزرگ‌ترین سند حقانیت و طهارت مسیر انقلاب اسلامی است.

پرونده جفری اپستین، دیگر صرفاً یک پرونده قضائی یا جنائی نیست؛ این پرونده امروز به سندی تاریخی تبدیل شده که سیمای واقعی ساخت قدرت در جهان غرب را افشا می‌کند. افشای میلیون‌ها صفحه سند، هزاران تصویر و ویدئو و مکاتبات محرمانه، نشان داد آنانی که دهه‌ها با پرچم «حقوق بشر»، «اخلاق» و «دموکراسی» بر سر ملت‌ها فرود آمده‌اند، خود در تاریک‌ترین و آلوده‌ترین شبکه‌های فساد، بهره‌کشی و جنایت حضور داشته‌اند.

انتشار اسناد جدید پرونده اپستین، تشت رسوایی بسیاری از سیاستمداران و نخبگان غربی را بر زمین پهن کرد؛ همان چهره‌هایی که امروز با ژست اخلاقی، جمهوری اسلامی ایران را متهم می‌کنند و برای ملت ایران نسخه «نجات» می‌پیچند. این پرونده، نه‌تنها از انحرافات فردی، بلکه از ساختار فاسد یک تمدن پرده برمی‌دارد؛ تمدنی که در آن قدرت، ثروت و فساد درهم تنیده‌اند.

پرونده اپستین چیست؟

جفری اپستین، سرمایه‌دار آمریکایی، سال‌ها در پوشش فعالیت‌های اقتصادی و روابط گسترده با نخبگان سیاسی و مالی غرب، شبکه‌ای سازمان‌یافته از سوءاستفاده جنسی از دختران زیر سن قانونی را اداره می‌کرد. آنچه بعدها به «پرونده اپستین» مشهور شد، در ظاهر از شکایت یک دختر ۱۴ ساله در ایالت فلوریدا آغاز شد، اما خیلی زود روشن گردید که این پرونده، فراتر از یک جرم فردی و نشانه‌ای از یک انحراف ساختاری در دل نظم قدرت غرب است.

تحقیقات اولیه پلیس محلی نشان داد که قربانیان اپستین محدود به یک یا دو نفر نبوده و الگوی تکرارشونده‌ای از فریب، تطمیع و بهره‌کشی از نوجوانان وجود داشته است. با وجود این شواهد، روند رسیدگی قضائی به‌طرزی غیرعادی کُند و منحرف شد. پرونده به‌جای پیگیری قاطع، به مسیری رفت که در نهایت به توافقی محرمانه در سال ۲۰۰۸ انجامید؛ توافقی که بعدها به‌عنوان یکی از رسواترین معاملات قضائی آمریکا شناخته شد.

بر اساس این توافق، اپستین با پذیرش اتهاماتی جزئی، از تعقیب فدرال به‌دلیل جرائم سنگین‌تر از جمله قاچاق جنسی کودکان مصون ماند. او تنها محکومیتی سبک دریافت کرد و بخش عمده دوران حبس خود را در شرایطی ویژه و با امتیازات کم‌سابقه سپری نمود. این برخورد ترجیحی، نه‌تنها حقوق قربانیان را نادیده گرفت، بلکه پرسش‌های جدی درباره میزان نفوذ سیاسی و امنیتی اپستین در ساختار قدرت آمریکا ایجاد کرد.

واقعیت آن است که اپستین صرفاً یک میلیاردر منحرف نبود؛ او به شبکه‌ای از سیاستمداران، مقامات و چهره‌های بانفوذ دسترسی داشت و همین ارتباطات، سپری حفاظتی برای او ایجاد کرده بود. فرار چندین‌ساله او از عدالت، نشان داد که در نظم لیبرال غربی، قانون برای همه یکسان اجرا نمی‌شود. پرونده اپستین به همین دلیل، به نمادی از فروپاشی عدالت در برابر ثروت و قدرت تبدیل شد؛ نمادی که بعدها، با بازداشت دوباره و مرگ مشکوک او، ابعاد عمیق‌تری از آن آشکار گردید.

جزیره‌ای فراتر از فساد اخلاقی

آنچه پرونده جفری اپستین را از یک رسوایی اخلاقی به مسئله‌ای راهبردی و امنیتی تبدیل کرد، «جزیره خصوصی» او بود؛ مکانی که بعدها به‌درستی عنوان «جزیره فحشا» را به خود گرفت. شواهد و گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد این جزیره، صرفاً محل ارتکاب جرائم اخلاقی نبوده، بلکه به‌مثابه یک پایگاه عملیاتی برای مدیریت شبکه‌ای پیچیده از نفوذ، کنترل و باج‌گیری از نخبگان سیاسی و اقتصادی عمل می‌کرد.

بر اساس اسناد موجود، جزیره اپستین به تجهیزات نظارتی پیشرفته مجهز بوده و رفت‌وآمد مهمانان آن به‌دقت ثبت و ضبط می‌شده است. حضور چهره‌های سرشناس سیاسی، سرمایه‌داران بزرگ و افراد بانفوذ در این جزیره، در کنار ثبت فعالیت‌های آن‌ها، نشان می‌دهد هدف اصلی اپستین، صرفاً ارضای انحرافات شخصی نبوده، بلکه او در حال انباشت نوعی «سرمایه امنیتی» بوده است؛ سرمایه‌ای مبتنی بر اطلاعات محرمانه و نقاط ضعف افراد قدرتمند.

چنین سرمایه‌ای، در دنیای سیاست و قدرت، ابزاری کارآمد برای اعمال نفوذ، مهار تصمیم‌گیران و جهت‌دهی به تحولات کلان به‌شمار می‌رود. از این منظر، جزیره اپستین را باید فراتر از یک محل فساد اخلاقی دانست؛ این جزیره نماد پیوند خطرناک فساد، قدرت و امنیت در نظم حاکم بر غرب است؛ پیوندی که توضیح می‌دهد چگونه یک مجرم، سال‌ها در حاشیه امن باقی می‌ماند و به بازیگری مؤثر در پشت‌صحنه تحولات تبدیل می‌شود.

چه کسانی در این شبکه دیده می‌شوند؟

اسناد رسمی منتشرشده از پرونده جفری اپستین، تصویری تکان‌دهنده از دامنه نفوذ و گستره ارتباطات این میلیاردر جنجالی ارائه می‌دهد؛ تصویری که نشان می‌دهد شبکه اپستین محدود به یک فرد یا یک حلقه کوچک نبوده، بلکه طیف وسیعی از سیاستمداران، شاهزادگان، سرمایه‌داران و چهره‌های بانفوذ رسانه‌ای را در بر می‌گرفته است. نام‌هایی که در این اسناد به چشم می‌خورد، از رؤسای جمهور سابق آمریکا گرفته تا اعضای خاندان سلطنتی بریتانیا و مقامات ارشد صهیونیستی را شامل می‌شود؛ چهره‌هایی که هر یک در سطوح بالای تصمیم‌سازی سیاسی و امنیتی جهان نقش‌آفرین بوده‌اند.

در میان این اسامی، نام دونالد ترامپ، بیل کلینتون، شاهزاده اندرو، امانوئل مکرون و ایهود باراک بارها در گزارش‌ها، پروازها، دیدارها و ارتباطات ثبت‌شده با اپستین تکرار شده است. هرچند دستگاه قضائی آمریکا و رسانه‌های جریان اصلی تلاش دارند با ادبیات حقوقی و تفکیک‌های صوری، مسئولیت مستقیم این افراد را انکار کنند، اما تکرار مداوم نام آن‌ها در کنار یک مجرم سازمان‌یافته، پرسش‌های جدی و بی‌پاسخی را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد.

هم‌نشینی مستمر با اپستین، حضور در املاک و جزیره خصوصی او، استفاده از پروازهای اختصاصی و روابط دوستانه طولانی‌مدت، همگی نشانه‌هایی است که نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به «آشنایی اتفاقی» یا «ارتباطات اجتماعی معمول» تقلیل داد. واقعیت آن است که چنین سطحی از تعامل، از پیوندهایی عمیق و معنادار حکایت دارد؛ پیوندهایی که در بستر قدرت، ثروت و منافع مشترک شکل گرفته‌اند.

پرونده اپستین از این منظر، نه‌تنها یک رسوایی فردی، بلکه آینه‌ای از مناسبات پنهان در لایه‌های بالای قدرت جهانی است؛ مناسباتی که نشان می‌دهد چگونه نخبگان سیاسی و اقتصادی غرب، در سایه شبکه‌های فساد، یکدیگر را پوشش داده و از پاسخگویی مصون می‌مانند.

شبکه‌سازی با پول‌های کثیف

بُعد کمتر گفته‌شده و بسیار تکان‌دهنده پرونده اپستین، پیوند مستقیم سرمایه‌های این میلیاردر جنجالی با ارتش و پروژه‌های اشغال‌گرانه رژیم صهیونیستی است. اسناد تازه منتشر شده از سوی وزارت دادگستری آمریکا پرده از این حقیقت برمی‌دارد که جفری اپستین، متهم به جرایم سنگین جنسی، سال‌ها از پشت پرده به ارتش رژیم صهیونیستی و پروژه‌های شهرک‌سازی در فلسطین پول تزریق کرده است. این موضوع سایه ارتباطات امنیتی و سیاسی عمیق او با مقامات صهیونیست را بیش از پیش سنگین‌تر کرده است.

بر اساس اسناد اداره درآمد داخلی آمریکا، پرداخت‌های متعددی از سوی اپستین به «صندوق ملی یهود» (JNF) ثبت شده است؛ نهادی که نام آن دهه‌هاست با گسترش شهرک‌سازی‌ها، مصادره زمین‌های فلسطینیان و تثبیت اشغالگری گره خورده است. افزون بر این، کمک‌های مالی وی به سازمان «هیلل اینترنشنال» نیز افشا شده است؛ سازمانی که به‌ویژه در دانشگاه‌های آمریکا به دلیل ترویج صهیونیسم و دفاع از سیاست‌های اشغالگری شناخته می‌شود و همکاری‌های متعددی با نهادهای مرتبط با اشغال فلسطین دارد.

این اسناد نشان می‌دهد که فساد اخلاقی و جنایت سیاسی، دو روی یک سکه‌اند. همان شبکه‌ای که در جزیره شخصی اپستین به بهره‌کشی جنسی از دختران نوجوان مشغول بود، در فلسطین به کشتار زنان و کودکان و غصب سرزمین‌های اسلامی مشروعیت می‌بخشد. اپستین نه یک «مفسد»، بلکه یک «شبکه‌ساز حرفه‌ای» بود که با نزدیکی به نخبگان سیاست و اقتصاد، خروجی تصمیمات کلان جهانی را در جهت منافع رژیم صهیونیستی هدایت می‌کرد. این دقیقاً نماد واقعی نظم لیبرال غربی است؛ نظمی که در آن شعار آزادی، پوششی برای بردگی نوین و حمایت از جنایتکاران بین‌المللی است. از همین روست که حضور مقامات ارشدی همچون ایهود باراک و احتمال بازدید اسحاق هرتزوگ از جزیره او در سال ۲۰۱۴، در کنار پول‌پاشی‌های وی، قطعات یک پازل واحد از پیوند فساد و اشغالگری را تکمیل می‌کند.

انقلاب اسلامی و گسست از چرخه فساد جهانی

در برابر این منظومه سیاه و غرق در لجن، انقلاب اسلامی ایران قد علم کرده است. هنر بزرگ و تاریخی حضرت امام خمینی(ره) این بود که ملت ایران را از منجلاب قلدرهای عالم و وابستگی به کانون‌های فساد بین‌المللی بیرون کشید و مسیر نورانی استقلال، عزت و حقانیت را پیش‌روی این کشور گشود. این راه حق‌طلبانه، امروز نیز با هدایت‌های داهیانه امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) با صلابت تمام و با همان آرمان‌های اصیل خط امام دنبال می‌شود.

تجربه چهار دهه کودتا، ترور، تحریم‌های ظالمانه و فتنه‌های پی‌درپی، گواه روشنی بر تلاش مذبوحانه دشمن برای منحرف کردن کشتی انقلاب اسلامی در اقیانوس متلاطم جهانی است؛ اما این شجره طیبه که با خون پاک شهدا غرس شده، بر شانه‌های ملتی ایستاده است که فرهنگ حسینی و عاشورایی دارد. خدا را شکر که این انقلاب ریشه در ارزش‌های الهی دارد و همین اصالت، تکیه‌گاه اصلی در برابر تندبادهای توطئه است.

چرا می‌گوییم در سمت درست تاریخ ایستاده‌ایم؟

امروز، تقابل حق و باطل بیش از هر زمان دیگری در تاریخ شفاف شده است. وقتی به پرونده مالامال از فساد، جنایت و رذالت دشمن می‌نگریم، با اطمینان می‌گوییم که ما در سمت درست تاریخ ایستاده‌ایم. افتخار ما این است که امروز در نوک پیکان مبارزه با جبهه‌ای هستیم که نماد آن «جزیره فحشا»، اشغالگری و جنایت است. چه افتخاری بالاتر از این که دشمنان ایران اسلامی، همان جنایتکاران و فاسدان شبکه اپستین هستند.

در روزهایی که دونالد ترامپ با پول‌پاشی دلارهای نجس و حرامی، فتنه دی‌ماه را به راه انداخت و خود را نه متهم، بلکه مدعی اغتشاشات اخیر قرار داد، اسناد رسمی نشان می‌دهد شخص او تا خرخره در منجلاب فساد اپستین غوطه‌ور است. او که با کمک بازوهای رسانه‌ای نظیر موساد اینترنشنال و بی‌بی‌سی و صدای آمریکا سناریوی «کشته‌سازی» و «متهم‌سازی» را علیه ایران دنبال می‌کند، خود در جایگاه متهمی است که نامش هزاران بار در پرونده قاچاق جنسی تکرار شده است. حق با کاربران فهیم ایرانی بود که نوشتند: «ما ملت امام حسینیم و آن‌ها ملت اپستین.» این دشمنی برای ما سند حقانیت است، چرا که ایستادن در برابر جنایتکاران جزیره فحشا، عین عدالت و ایستادن در مسیر حق است.

دشمنی که سند حقانیت است

پرونده اپستین، یک آینه است؛ آینه‌ای که چهره واقعی دشمنان ایران را نشان می‌دهد. دشمنی با چنین جبهه‌ای، نه هزینه، بلکه افتخار است. چه افتخاری بالاتر از این‌که دشمنان انقلاب اسلامی، همان جنایتکاران جزیره فحشا باشند؟

اسناد تکان‌دهنده جزیره اپستین، فراتر از یک رسوایی اخلاقی، در واقع «اعلام ورشکستگی تمدنی» غرب مدعی است. تمدنی که بر پایه پیوند نامقدس «ثروت، قدرت و شهوت» بنا شده، امروز در برابر آینه تمام‌نمای حقیقت قرار گرفته است. این حقایق بر ملا شده ثابت کرد که دموکراسی غربی و حقوق بشر ادعایی واشینگتن و لندن، تنها نقابی برای پوشش کثیف‌ترین شبکه‌های باج‌گیری اطلاعاتی و بهره‌کشی از مظلوم‌ترین انسان‌هاست.

امروز باید با افتخار سر بلند کرد و گفت که دشمنی با چنین منظومه مفسد و متعفنی، نه یک چالش، بلکه «سند حقانیت و طهارت» مسیر انقلاب اسلامی است. وقتی جبهه مقابل ایران را کسانی تشکیل می‌دهند که در یک دست دلار نجس حاصل از قاچاق جنسی و در دست دیگر سلاح کشتار کودکان و زنان مظلوم فلسطین را دارند، اطمینان به درستی راه امامین انقلاب صدچندان می‌شود.

تاریخ به وضوح نشان خواهد داد که «ملت امام حسین(ع)» چگونه با تکیه بر ایمان و پاکدامنی، بر «شبکه سازمان یافته فاسد و آلوده اپستین» و حاکمان غرق در منجلاب جزیره فحشا پیروز خواهد شد. رسوایی‌های اخیر، تداوم روند فروپاشی دومینوی استکبار است. دشمنان ایران اسلامی بدانند که نه با فتنه‌سازی‌های خیابانی و نه با بازوهای رسانه‌ای لجن‌پراکن خود، نمی‌توانند چهره نورانی ملتی را مخدوش کنند که از لجن‌زار تمدنی آن‌ها گسسته است. عصر بزک کردن شیاطین به پایان رسیده و فرجام حتمی این نبرد، غرق شدن فرعونیان زمان در منجلاب خودساخته‌شان و تشکیل تمدن نوین اسلامی است.

با دستور رئیس‌جمهور انجام شد

بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی سرمایه‌گذاری و گردشگری مناطق آزاد تجاری - صنعتی

در آستانه سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای از پروژه‌های عمرانی، سرمایه‌گذاری و گردشگری در مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور با دستور رئیس‌جمهور، به بهره‌برداری رسید.

آیین بهره‌برداری از این پروژه‌ها صبح روز شنبه (۱۸ بهمن ۱۴۰۴) با حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور و جمعی از مسئولان کشوری و منطقه‌ای و به صورت برخط برگزار شد. این پروژه‌ها در مناطق آزاد تجاری - صنعتی ارس، قشم، اروند، چابهار و همچنین منطقه ویژه اقتصادی سهلان به مرحله بهره‌برداری رسیدند.

با دستور رئیس‌جمهور در این مراسم، در منطقه آزاد ارس تعداد ۲۷ پروژه با اعتباری بالغ بر ۶۵ هزار و ۳۰۵ میلیارد ریال افتتاح شد که زمینه اشتغال یک‌هزار و ۷۹ نفر به‌صورت مستقیم و ۴ هزار و ۴۹۵ نفر به‌صورت غیرمستقیم را فراهم می‌کند.

در منطقه آزاد قشم نیز ۲۵ پروژه با مجموع سرمایه‌گذاری ۴۹ هزار میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید که برای ۲۴۸ نفر اشتغال مستقیم و ۴۱۷ نفر اشتغال غیرمستقیم ایجاد خواهد کرد.

در منطقه آزاد اروند، ۴ پروژه عمرانی و سرمایه‌گذاری با اعتباری معادل ۳ هزار و ۹۵۰ میلیارد ریال افتتاح شد.

همچنین در منطقه آزاد چابهار، ۲۰ پروژه با مجموع سرمایه‌گذاری ۸ هزار و ۶۳۵ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید که اشتغال ۲۰۱ نفر به‌صورت مستقیم و ۲۲ نفر به‌صورت غیرمستقیم را به همراه دارد.

در ادامه این آیین، در منطقه ویژه اقتصادی سهلان نیز ۵ پروژه با سرمایه‌گذاری ۴ هزار و ۹۳۸ میلیارد ریال افتتاح شد که موجب ایجاد ۳۳۶ فرصت شغلی مستقیم شده است.

بهره‌برداری از این پروژه‌ها که به‌صورت برخط انجام شد، بخشی از مجموع ۹۰ پروژه آماده بهره‌برداری در مناطق آزاد کشور است که در راستای رویکرد اساسی دولت در تحقق اهداف توسعه‌ای، رونق سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال و تقویت نقش مناطق آزاد در رشد اقتصادی کشور اجرا شده‌اند.

رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به اهمیت جهت‌دهی صحیح به روند توسعه مناطق آزاد اظهار داشت: آنچه امروز در این مناطق در حال توسعه است، باید در قالب یک نگاه منطقه‌ای و مجموعه‌ای دیده شود؛ نگاهی که مبتنی بر فناوری‌های برتر، آینده‌نگری عمیق و ساختاری راهبردی و پیشرفته باشد تا بتواند افق روشنی برای هر منطقه آزاد ترسیم کند.

وی با تأکید بر ضرورت تدوین برنامه‌های راهبردی برای هر منطقه آزاد تصریح کرد: اگر برای توسعه هر منطقه، برنامه‌ای علمی، کارشناسی و مبتنی بر رقابت با مناطق آزاد موفق جهان نداشته باشیم و صرفاً به ساخت‌وساز بدون نقشه راه بسنده کنیم، در نهایت از تحولات جهانی عقب خواهیم ماند. آینده این مناطق را شما مدیران می‌سازید و مسئولیت ترسیم مسیر پیش‌رو برعهده شماست.

رئیس‌جمهور افزود: لازم است مسیر توسعه به‌گونه‌ای طراحی شود که واحدهای تولیدی و صنعتی ایجادشده از توان ماندگاری، رقابت‌پذیری، کیفیت مطلوب و قیمت مناسب برخوردار باشند تا بتوانند در سطح منطقه‌ای و جهانی رقابت کنند و منافع آن برای کشور و مردم حاصل شود.

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود بر توجه به ملاحظات زیست‌محیطی در اجرای پروژه‌ها تأکید کرد و گفت: امید است فضاهایی که در این مناطق ایجاد می‌شود، دوست‌دار محیط‌زیست باشد و از ظرفیت پنل‌های خورشیدی و انرژی‌های پاک به‌صورت گسترده استفاده شود، به‌گونه‌ای که در تأمین انرژی حرارتی، گرمایش و سرمایش، محیطی سالم و پایدار مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم شود.

رئیس‌جمهور همچنین ابراز امیدواری کرد که این رویکرد جامع، آینده‌نگر و پایدار، زمینه‌ساز رونق، توسعه متوازن و پیشرفت همه‌جانبه مناطق آزاد و مناطق پیرامونی کشور شود.

دبیر شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت منصوب شد

خبر دیگر اینکه، رئیس‌جمهور طی حکمی آقای سید احمد موسوی رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و جانبازان را به عنوان «دبیر شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت» منصوب کرد.

متن حکم رئیس‌جمهور به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای سید احمد موسوی

معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران

در اجرای تبصره(۱) ماده(۶۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۰۳ مجلس شورای اسلامی و به موجب این حکم به‌عنوان «دبیر شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت» منصوب می‌شوید.

انتظار دارد با اتکال به خداوند متعال و در چارچوب قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، برنامه هفتم پیشرفت و رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت وفاق ملی؛ با همکاری سایر اعضای محترم و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت کلیه متولیان امر نسبت به احیا، ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ غنی جهاد، ایثار و شهادت در کشور اقدام نمایید.

توفیقات روزافزون آن‌جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند متعال خواستارم.

سرلشکر موسوی:

در دفاع قاطع از امنیت ملی خود لحظه‌ای تردید نمی کنیم

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تاکید بر نقش راهبردی نیروی هوائی در تثبیت بازدارندگی فعال و ارتقاء آمادگی دفاعی با تهدیدات دشمنان اعلام کرد: جمهوری اسلامی ایران هرگز آغازگر جنگ نخواهد بود، اما در دفاع قاطع از امنیت ملی، منافع حیاتی و تمامیت ارضی خود، لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهد.

امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح طی پیامی خطاب به امیر سرتیپ خلبان بهمن بهمرد، فرمانده نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آستانه روز نیروی هوائی نوشت: ۱۹ بهمن ماه، سالروز بیعت ماندگار و تاریخی کارکنان مؤمن و انقلابی نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران با معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) در سال ۱۳۵۷، نماد بصیرت، شجاعت و پیوند عمیق ارتش با ملت و ولایت و یادآور نقش بی‌بدیل این نیرو در صیانت از استقلال، امنیت و عزت ایران اسلامی است.

در ادامه این پیام آمده است: در شرایط حساس کنونی و در ادامه تحولات پیچیده داخلی و منطقه‌ای، به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ایالات متحده آمریکا و رژیم پلید صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران، نقش راهبردی نیروی هوائی ارتش در تثبیت بازدارندگی فعال، ارتقاء آمادگی دفاعی و مقابله هوشمندانه با تهدیدات فزاینده دشمنان، بیش از پیش نمایان شده است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح همچنین در پیام خود آورده است: خدای بزرگ را شاکریم که امروز نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران تحت تدابیر، فرامین و هدایت‌های حکیمانه فرمانده معظم کل قوا(مدظله العالی) و راهبردی جنابعالی و در ادامه مجاهدت‌های گذشته، با اتکا به ایمان راسخ، دانش و توان بومی، تجربه ارزشمند عملیاتی، نوسازی و ارتقاء مستمر توان رزمی و آمادگی همه‌جانبه، امروز در بالاترین سطح آمادگی قرار دارد و در هماهنگی کامل با سایر نیروهای مسلح، آماده است به هرگونه تهدید، تجاوز یا خطای محاسباتی دشمن، پاسخی قاطع، سریع و پشیمان‌کننده داده و مشت محکمی بر دهان هر متجاوز وارد آورد.

سرلشکر موسوی در ادامه تاکید کرد: بدون تردید، دشمنان جمهوری اسلامی ایران به‌خوبی آگاه‌اند که هرگونه ماجراجویی و اقدام برای تحمیل جنگ علیه ایران اسلامی، نه‌تنها با شکست قطعی و راهبردی آنان همراه خواهد شد، بلکه موجب گسترش دامنه جنگ و بحران به سراسر منطقه شده و هزینه‌های سنگین و جبران‌ناپذیری را بر طراحان و حامیان آن تحمیل خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران هرگز آغازگر جنگ نخواهد بود، اما در دفاع قاطع از امنیت ملی، منافع حیاتی و تمامیت ارضی خود، لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهد.

به گزارش ایرنا، در بخش پایانی پیام رئیس ستاد کل نیروهای مسلح آمده است: اینجانب ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره شهدای والامقام نیروی هوائی ارتش، فرارسیدن ۱۹ بهمن‌ماه، «روز نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران» را به جنابعالی، فرماندهان، خلبانان شجاع، کارکنان متعهد فنی و پشتیبانی و خانواده‌های معزز آنان صمیمانه تبریک عرض کرده و از مجاهدت‌های خالصانه و شبانه‌روزی مجموعه تحت امرتان در مسیر ارتقاء قدرت دفا